

آباد و آب و آلو

آلوچه و آلبالو

اولشان آ میاد

کلاه روی سر میاد

با با دوتا آ داره

پس چرا کلاه نداره

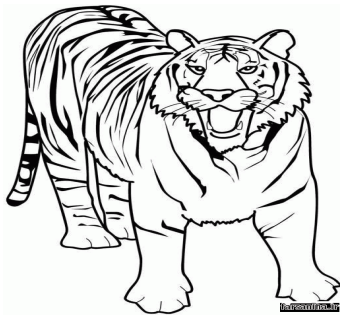
(آ اوّل / ا غیر اول) الف

|      |      |      |    |
|------|------|------|----|
| آب   | بابا | آ    | ا  |
| آ    | ا    | آب   |    |
|      | آب   | بابا | آ  |
| بابا |      |      | آب |

بابا - آب - ب - آ

املا ی شب:

آب - آ - ا - بابا



بابا و باد و باران

ب اول بیابان

نقطش زیر آب و تاب

ب غیر آخر کجاست

در باد و بار و باران



آ • - § • - § • - آ

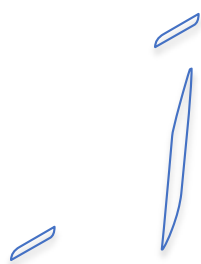
|      |      |      |     |
|------|------|------|-----|
| آب   | بابا | آبا  | ب   |
| آبا  | ب    | آب   |     |
|      | آب   | بابا | آبا |
| بابا |      |      | آب  |

بابا - آب - ب - آبا

- © Ž ã 6 ç ì ó 5 -

املاي شب:

آبا - آب - بابا - آ - ب



بی چتر نرو تو کوچه

آهای آقا آنا

آز آبرهای آسمون

داره بارون می باره

Ÿí•-đ ô Ÿí•ô

|      |      |      |     |
|------|------|------|-----|
| آب   | بابا | آبا  | آ   |
| آبا  | آ    | آب   |     |
|      | آب   | بابا | آبا |
| بابا |      |      | آب  |

بابا - آب - آ - آبا

املاي شب :

آ - ب - ب - آب - با - آبا - بابا - بابا آب - آ -



د هستم و خمیده

سر به تنم چسبیده

آخر با ، باد می‌شم

آ بیاد، آباد می‌شم

داداش به دایی دست داد

هر شیش تا د رو پس داد

Ÿ • @

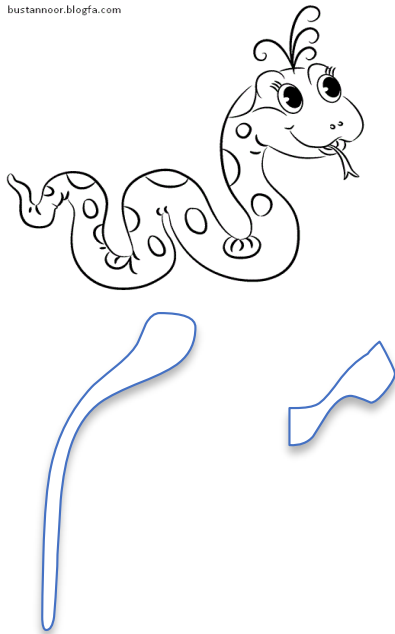
|       |       |       |      |
|-------|-------|-------|------|
| آداب  | اَدَب | دَر   | د    |
| دَر   | د     | آداب  |      |
|       | آداب  | اَدَب | دَر  |
| اَدَب |       |       | آداب |

د - آداب - دَر - اَدَب

املاي شب :

بابا - آ - ب - ا - َ - د - دَر - دا - آب - با - آبا - آباد - با با - آب - باب - بابا آب - آباد -

اَدَب - آداب - باد - بَد - داد



مرغ و فسنجون اومد

م غیر آخر اومد

میمون و ماهی و مار

با هر سه م شدن یار

در شام و رام و بادام

آخر در پشت بام

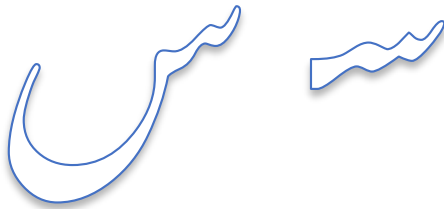
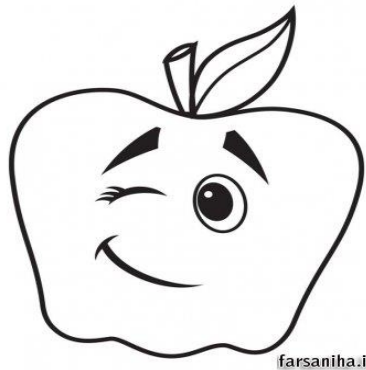
á ó ã - š • áã - š • -

|       |       |     |       |
|-------|-------|-----|-------|
|       | دام   |     | داماد |
| آمد   | داماد | بام |       |
| داماد |       | دام |       |
| دام   | آمد   |     | بام   |

داماد - آمد - بام - دام

املاي شب:

آدم - م - م - م - آمد - دام - بام - بادام - ما - ماما - بام - آب - بابا - داماد - بد - بابا بادام داد.



من سِ یِ سه دندونم

سرخی تو هندونم

سه غیر آخر کجاست

در سیب و سیر و سارااست

خرس و خروس و عروس

سِ آخرش رو ببوس

• - ٣ ± • ٨ - ٣ á

|       |       |       |       |
|-------|-------|-------|-------|
| سَس   | سَبَد |       | اَسَد |
|       | اَسَد | سَس   |       |
| اَسَد |       | سَبَد | اَسَب |
|       | اَسَب |       | سَس   |

سَبَد - سَس - اَسَب - اَسَد

املاي شب :

س س - سا - سه - اَسَب - سام - سَبَد - اَسَب - سَس - آدامس - واس - سَم - سَس - اَسَد - بابا با

اَسَب آمد

سوزن تو دست توته

تو دهنش ی سوته

موی بلندی داره

از او خبر نداره

او و

Ÿ í • ó ħ í Ÿ í •

|      |      |      |     |
|------|------|------|-----|
|      | سود  | مو   |     |
| بودم | مو   |      | دود |
|      | بودم | دود  | مو  |
| مو   |      | بودم | سود |

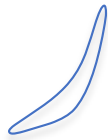
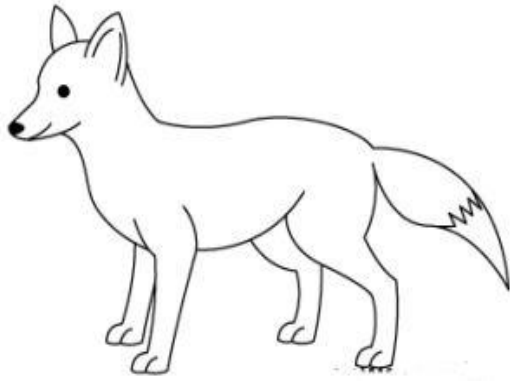
دود - بودم - مو - سود

املاي شب :

و و - سو - مو - دو - بو - سود - بود - بودم - دود - او با اسب آمد .







ر هستم و کمی کج  
انگار که با همه لجم  
من هستم در خیار شور  
در گرگ و مار و زنبور  
در شیر ی انگورم  
هر جا باشم یه جورم

۷(۷)

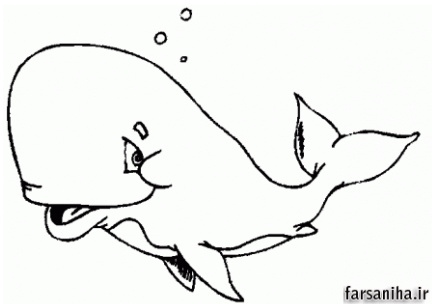
|       |       |       |       |
|-------|-------|-------|-------|
|       | بار   | روستا |       |
| روستا | مادر  | را    | بار   |
|       | را    |       | روستا |
| مادر  | روستا | بار   | را    |

روستا - را - مادر - بار

املای شب

تبر - روستا - ر - را - رو - بار - مادر - مار - ترس - ابر - ابرو - برادر - تار - دلو - سرما - سارا - در -  
مادر آرام آرام آمد سارا در سبد توت ، بادام دانو . بابا تلپ را با دست بست .

زن



ز آمد و نان آمد

نَمک ، نمکدان آمد

ز نقطه داره که روشه

میمون نقطه که توشه

مامان جان رو صدا کن

ن آخر رو نگاه کن

â í ç š • â - š • - ó ħ

|        |        |        |        |
|--------|--------|--------|--------|
| آسان   | آسان   | داستان | باران  |
|        | داستان |        | آسان   |
|        | انار   | باران  | داستان |
| داستان | باران  | آسان   |        |

آسان - انار - باران - داستان

املاي شب:

ز - ن - نا - نو - باران - آسان - غم غم - داستان - دندان - آبان - آبادان - انار - آسمان - نادان - آسان  
- تنور سام در دست نان، انار دارد. مَن نان را دوست دارم. مادر با آسب آرام آرام آمد باران غم غم در آسمان  
است.



ای ای می ای

ما چهار تا ای هستیم

کنار هم نشستیم

ای اوّل است همیشه

جایش عوض نمیشه

ی وسط مهربون

در وسط ها میمونه

ی آخر خوب میدونه

که در آخر میمونه

• ی اوّل / ی وسط / ی آخر / ای آخرتها

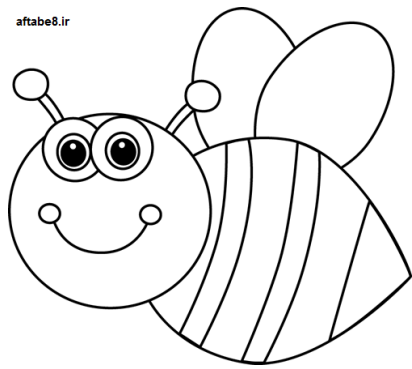
|       |     |       |       |
|-------|-----|-------|-------|
| ایران | سیب |       |       |
|       | تیر | ایران | سیب   |
| تیر   |     | سیب   | آبی   |
|       | آبی | تیر   | ایران |

ایران - تیر - سیب - آبی

املای شب:

بی - سی - می - نی - تی - دی - ری - ایمان - تیر - سیب - بیرون - این - امیر - آیتا - آرمیتا -

دینا - آربنا - بیدار - من ایران را دوست دارم . امیر با اسد دوست است . مادر در سبد سیب دارد.



من زِ ی بازی گوشم

نقطه دارم بر دوشم

در بزغاله دا در بز

تو شاخه ی گل رز

در سرزمین و سرباز

زِ یجوره بزَن ساز

(ز)

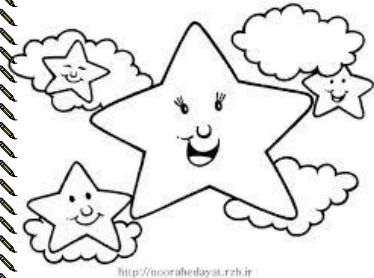
|        |         |         |         |
|--------|---------|---------|---------|
| آزار   |         | سَرَباز | زود     |
|        | سَرَباز | زَنبور  | آزار    |
| زَنبور | زود     |         | سَرَباز |
|        | آزار    | زود     |         |

آزار - سَرَباز - زود - زَنبور

املاي شب:

ز - زا - نو - زی - زود - آزار - زدن - ساز - زنبور - زن - زود - روز - سوز - تیرانداز - میز - سبز - سرباز -

ایران آباد، آزاد، سَر سبز است. مادر سوئن در دست دارد. او از بازار زود آمد.



• ü / ±

کنار هم نشستیم

ماچهارتا ای هستیم

به غیر از این همیشه

به من میگن ای اوّل

زیر شکل ها میمونه

غیر اول خب میدونه

دوست با غیر از آخر

ه چسبان است در آخر

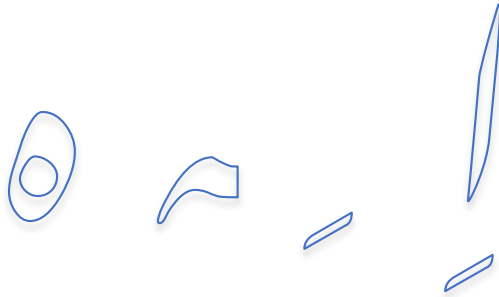
در آخر برنامه

آمده است در خانه

دائم با یک شکلی هاست.

ه آخر دائم تنهاست

(اوّل / غیر اوّل / آخر چسبان / ه آخر تنها)



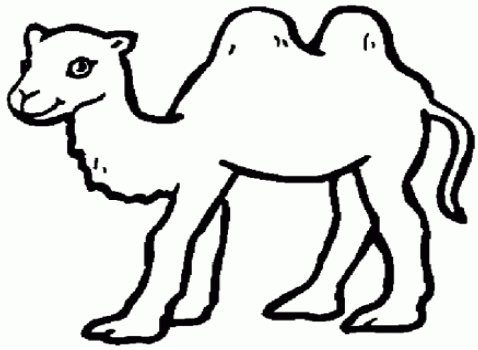
|       |       |       |       |
|-------|-------|-------|-------|
| مدرسه |       | ناور  | امام  |
|       | ناور  | مدرسه | ستاره |
|       | مدرسه | امام  | ناور  |
| ناور  | امام  |       |       |

امام - ناور - مدرسه - ستاره

ایملای شب:

دانه - اِدانه - اِسَم - تَره - آزاده - آتِنا - سِتاره - مِداو - اَمین در آسمان ستاره را ندید من نانِ تازه را دوست

دارم. او از مدرسه آرام آرام آمد



من شِ یِ آش و ماشم

نقطه های لواشم

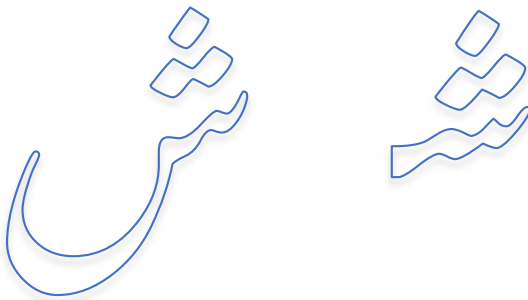
در موش و خاموشم من

آخرِ آبجوشم من

در تشت و دشت و رشتم

در هشت و بیست و هشتم

(ش غیر آخر/ش آخر)



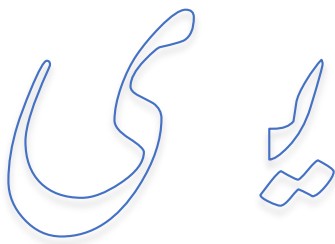
|       |      |       |       |
|-------|------|-------|-------|
| شانه  |      | مادرش | شور   |
| مادرش | شور  | شانه  |       |
| دشت   | شانه |       | مادرش |
| شور   |      | دشت   | شانه  |

شور - شانه - مادرش - دشت

املاي شب :

داداش - داشت - نیش - شیراز - شیده - آنوشا - شادی - آن روز آرش تراش داد. من آش رشته را

دوست دارم. آن شب آزاده در آسمان ستاره را ندید.



قایق کجاست تو دریا

هواپیما در هواست

یغیر آخر کجاست

در یخچال و لوبیاست

مزه ی چای رو بچش

ی آخر و هم بکش.

(یغیر آخر/ی آخر)

|      |      |      |      |
|------|------|------|------|
|      | برای |      | آیا  |
| یار  |      |      |      |
| برای | دربا | آیا  | یار  |
| آیا  | یار  | برای | دربا |

آیا - دریا - برای - یار

املاى شب :

یاس - مَریم - برای - زینب - رایا - یسنا - او شنا در دریا را دوست دارد.

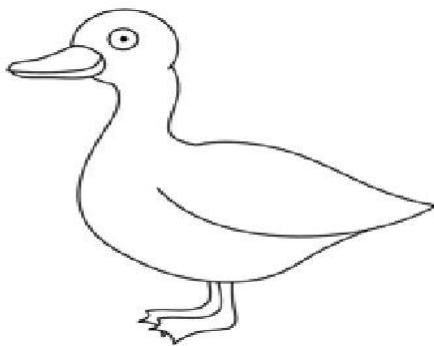
من اُ اول هستم

دوستم دوستم غیر اول

هیچ وقت نیامد اول

چون که کمی ناقلاست

همه ش سوار حرفاست



|       |        |      |        |
|-------|--------|------|--------|
|       | بُنر   |      | شُما   |
| اُمید |        |      |        |
| بُنر  | اُستاد | شُما | اُمید  |
|       | اُمید  | بُنر | اُستاد |

سر مشق :

اُستاد مُرادى براى مردم میز مى سازد. این اُستاد ترش است. او براى بُنرش نی می ژند. این مدرسه شیش  
تاب و سه سُر سُرِه داد. به او سُسِ تُند دادَم.



ک غیر آخر داداش

رفته تو کفش و کفاش

ک در کباب و بابک

آخر در آتابک

کتاب کار کودک

هم کوچک است و هم تک

ک



|         |         |        |         |
|---------|---------|--------|---------|
|         | کَبَاب  |        | اُرُوک  |
| اَکْبَر |         |        |         |
| کَبَاب  | کِتَاب  | اُرُوک | اَکْبَر |
| اُرُوک  | اَکْبَر | کَبَاب |         |

سر مشق: اَ کرم نَمَک در نَمَکدان می ریزد. بابَک به بَرادرش کُمَک می کند. دیشَب که آسمان تاریک بود، او کَبَابِ کَم نَمَک دُرُست کرد. کامران با سیب زمینی کوکو دُرُست کرد. کاش من اِمروز در کِنارِ دریا با بادبَادَک بازی می گردَم.

و مثل ر همیشه

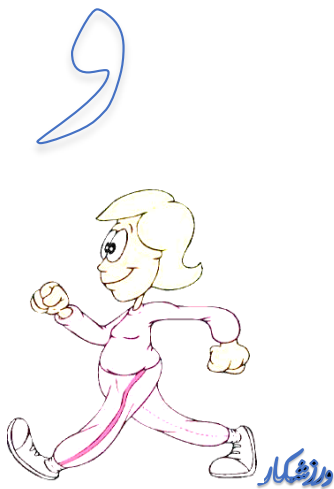
یه جور نوشته میشه

نوار کجاست تو بلوار

ورق تو جیب شلوار

میوه افتاد تو لیوان

گاو پرید روی ایوان



|       |        |       |       |
|-------|--------|-------|-------|
|       | وَرِش  |       | آواز  |
| داوَر |        |       |       |
| وَرِش | سَوَار |       | داوَر |
| آواز  |        | وَرِش |       |

سر مشق: دَوَنده می دَوَد وَاو یک وَرِشکار است. آن زَن با سَواد است و کودکان را وا کَسَن می زَنَد. او زَمانی که سَوَار بَر اسب است ، تُنَد می رَوَد. کاوه نَوَد بار در شِنَا بَرَنده شده است. دیروز سه تا یا گَریم بر روی دیوار بودند.

پا و پر و پروانه

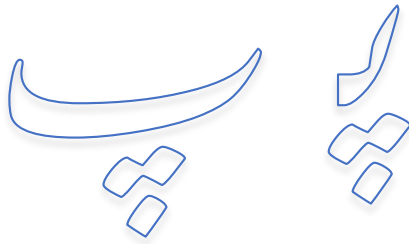
پرنده ها تو لانه

اولشان پ زیباست

سه نقطه هاشون پیدا است

آخر حرفِ توپِ

نگاش کنین تو سوپِ



|       |       |       |       |
|-------|-------|-------|-------|
|       | پرواز |       | توپ   |
| پرنده |       |       |       |
| پرواز | پدر   |       | پرنده |
| توپ   |       | پرواز |       |

سرمشق: پری پَرستار است و به بیمار که اسمش پیمان بود، پَتو داد و او را پیشِ پزِشک بُرد. مادرِ پیمان برایِ پیمان سوپ بُرد. دوستِ او پرویز نام دارد و برای او یک بسته پسته آوَرَد. پیمان روی دیوارِ پروانه و پرستو و شاپَرک دید که پرواز کردند.

گرگ



گرگم و گله دیدم

گ آخر و ندیدم

گ آخره در نهنگ

آخر اسم پلنگ

در جنگ و جنگل و سنگ

سرکش داره ای زرنک

|       |     |       |       |
|-------|-----|-------|-------|
|       | گاو |       | انگور |
| سنگ   |     |       |       |
| گاو   | زنگ | انگور | سنگ   |
| انگور | سنگ | گاو   | زنگ   |

سر مشق: گرگ از سگ می ترسد و از

ترس سگ به گاو نزدیک نمی -

شود. سگ دشمن گربه است. پدر بزرگ برای دوستش یک سبد گردو و برگ انگور

برد. مادر بزرگ نرگس آموزگار است. نرگس با نگار دوست است.

من فیل و کیف و لیفم

حمام نرم کثیفم

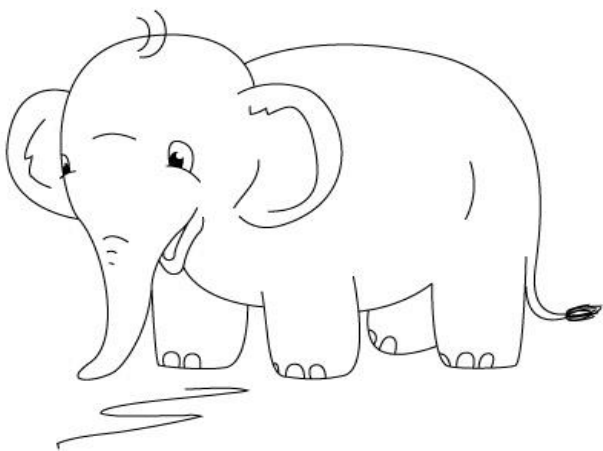
در کیف فِ یِ آخرم

در فیل غیر آخرم

جعفر تو آفتاب رفته

چراغ او بی نفته

ف ف



font-size: 10px;

|         |         |         |        |
|---------|---------|---------|--------|
|         | سُفْرَه |         | بَرَف  |
| سَفِید  |         |         |        |
| سُفْرَه | گُفْت   | بَرَف   | سَفِید |
| بَرَف   | سَفِید  | سُفْرَه | گُفْت  |

سر مشق: مادرِ نفیسه گفت:

شاید فردا بَرَف ببارد. من

دوست دارم آدم بَرَفی

دُرست کنم. پدرِ فرشته گفت:

فراموش نکنید که گرما و نور آفتاب و فانوس آدم برفی را آب می‌کند. آن شب

فرید در دفترش یک آدم برفی کشید و فرناز آن را رنگ زد.

خ ح



خرس و خروس و خرگوش

خربزه نقطه هم روش

نقطه بالاش خدای

پایین بیاد جدای

خ ی آخر تو سیخ

در شاخ بُز یا میخ

|       |     |       |       |
|-------|-----|-------|-------|
|       | نَخ |       | سَخْت |
| شاخ   |     |       |       |
| نَخ   | خون | سَخْت | شاخ   |
| سَخْت | شاخ | نَخ   | خون   |

سر مشق: امروز مادر بُزرگ با آرد و آب خَمیر دُرُست کرد. با خَمیر گِره نانِ خوبی پُخت. نان را با خامه برای پدر بُزرگ بُرد. او کِنار بُخاری نِشسته بود و آخبار گوش می گِرد. امروز او سَخْت کار گِرده بود و با تَخته و میخ برای دُخترش یک کِتاب خانه ساخته بود و گِمی خَسته شُده بود.

ق مثل قند و قندان

قلم توی قلمدان

ق آخرِ شقایق

بوق و اجاق و قایق

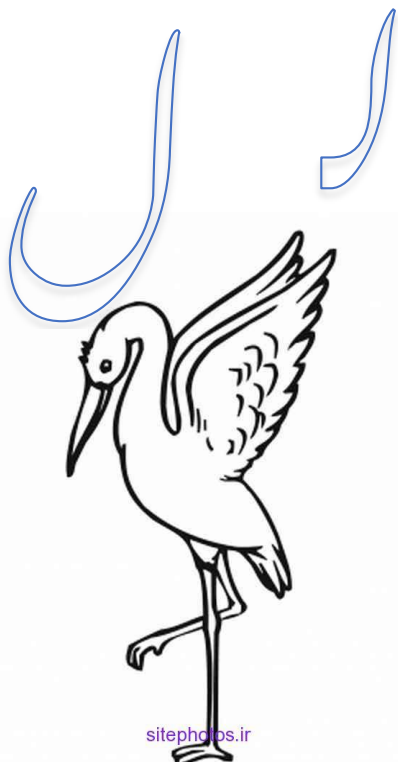
ق ق



|         |         |       |         |
|---------|---------|-------|---------|
|         | بوق     |       | مَشَق   |
| قِرْمَز |         |       |         |
| بوق     | قایق    | مَشَق | قِرْمَز |
|         | قِرْمَز | بوق   | قایق    |

سر مَشَق: مادر به اُتاق آمد و در  
دَفترِ مَشَقِ من با مِدادِ قِرْمَزِ یک

قُمری و قو بَرایم کِشید. پَدَرَم برای مُسابقه قُرْآن به قُم رَفته بود. ما یک قَناری  
داریم که با آوازِش می گوید: من قَفَس را دوست ندارم. اِمشب آسمان بَرقی زد و  
باران روی سَقفِ خانه بارید. خانم و آقای قاسمی باران را نِشانه ی قُدرتِ خُدا  
می دانند و او را شُکر می کنند.



ل چه زیباست تو پولک

پیداش کنید تو لک لک

تو جنگل و گل و گل

آخرِ توی فلفل

ل توی فوتبال کجاست؟

هلو و لوله کجاست

|       |       |       |      |
|-------|-------|-------|------|
|       | لیوان |       | لاله |
| گل    |       |       |      |
| لیوان |       | لاله  | گل   |
|       | گل    | لیوان | لباس |

سر مشق: آقا رسول در شمال

است. او امسال پُر تَقال و لیمو نیز

کاشته است. مادرش با آلو لَواشک

دُرُست می کُند. ما در اُسْتانِ اَلْبُرز گَرْدِش می کُنیم. خاله لیلی گیلّاس و گُلابی

آورد. من گلِ لاله و نیلوفرِ دوست دارم. یک مَلَخ روی گلِ نِشست.